

The effect of knowing the intention of illegal use on the validity and invalidity of the transaction: a jurisprudential study

Abstract

Undoubtedly, in cases where the direction of the transaction is illegitimate and this illegitimate direction is mentioned in the contract, the transaction is void and invalid. However, in cases where the purpose and goal of the transaction is not to achieve an illegal act, but the seller has knowledge and awareness that the buyer has entered into the transaction with the intention of consuming the transaction in a haram act, there is doubt about the nullity of the transaction. Some researchers absolutely consider such a transaction as haram and invalid, and some on the contrary, even though the contract is considered haram from the point of view of the obligatory ruling, but they do not consider the transaction invalid and invalid, and a group of them absolutely consider the contract to be halal and valid. Meanwhile, there are also details. In the current research, which is based on the descriptive-analytical method, the conclusion has been reached that basically, the transaction in which the buyer intends to consume the goods in a haram manner is halal and correct, except in some special cases, which are haram due to certain traditions. And the transaction with them is invalid.

Keywords: Purpose of transaction, unlawful act, illegitimate purpose, use in unlawful act

مطالعه فقهی - حقوقی تاثیر آگاهی از انگیزه استفاده نامشروع بر اعتبار و بطلان معامله

چکیده

بدون تردید در مواردی که جهت معامله نامشروع باشد و این جهت نامشروع در ضمن عقد، ذکر شود، معامله باطل و بی اعتبار است. ولی در مواردی که جهت و هدف غایی از معامله، توصل به عمل نامشروع نیست اما فروشنده علم و آگاهی دارد که خریدار، به قصد مصرف کردن مورد معامله در عمل حرام، اقدام به معامله نموده است، در بطلان معامله تردید وجود دارد. برخی از محققین به طور مطلق چنین معامله را حرام و باطل دانسته و برخی بر عکس، ولو عقد را از نظر حکم تکلیفی، حرام دانسته ولی معامله را باطل و بی اعتبار نمی دانند و گروهی، مطلقاً عقد را حلال و صحیح می انگارند. در این میان، تفصیلاتی نیز وجود دارد. در پژوهش حاضر که مبنی بر روش توصیفی - تحلیلی است، این نتیجه به دست آمده است که اصولاً معامله ای که خریدار قصد دارد مبیع را در حرام مصرف نماید، حلال و صحیح است مگر در برخی مصادیق خاص که به دلیل روایات خاصه، حرام و معامله نسبت به آنها، باطل است.

کلید واژه: جهت معامله، عمل حرام، استفاده در عمل حرام.

مقدمه

بر اساس دیدگاه مشهور فقها و نیز از منظر قانون مدنی، هرگاه جهت معامله نامشروع باشد و انگیزه نامشروع در عقد مورد تصریح قرار گیرد، معامله باطل و بی اعتبار است. اما هرگاه یکی از طرفین قرارداد، انگیزه نامشروع داشته باشد و طرف مقابل نیز از این انگیزه با اطلاع باشد ولی انگیزه نامشروع در متن عقد مورد تصریح یا شرط قرار نگیرد، در این صورت، وضعیت معامله از نظر تکلیفی و وضعی، محل بحث و گفتگوست. مثلاً فروشنده مقداری انگور یا یک عدد چاقو به دیگری می فروشد و علم

دارد که خریدار، قصد دارد مورد معامله را در مصرف حرام، استفاده کند. مثلاً قصد دارد که با انگور شراب بسازد و یا با چاقو اقدام به قتل نفس محترمه نماید. حال سوال این است که چنین معامله ای که باعث تسهیل عمل حرام می شود از نظر تکلیفی و وضعی چه وضعیتی دارد؟ این سوال زمانی پیچیده تر شده که فروشنده علاوه بر علم به قصد نامشروع خریدار، انگیزه خودش نیز استفاده نامشروع خریدار باشد. به هر حال، در خصوص این معامله، دیدگاه های مختلفی بین محققین وجود دارد. این مساله ابتدا در حقوق موضوعه و سپس در فقه امامیه بررسی خواهد شد.

در خصوص موضوع مقاله، به نظر می رسد، پژوهش مستقلی انجام نشده است. در خصوص مقالاتی که داور محترم مورد اشاره قرار دادند، ملاحظات زیر وجود دارد:

۱. ضمانت اجرای قرارداد با جهت نامشروع در حمایت از نظم عمومی سنتی و

اقتصادی دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق) دوره

جدید، سال بیست و سوم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

اول: نویسندگان محترم مقاله اصرار دارند در مواردی که یکی از طرفین، علم دارد طرف مقابل عالم به انگیزه نامشروع طرف مقابل است، معامله باطل است در حالی که در پژوهش حقیر نتیجه عکس اثبات شده است.

دوم: نحوه مواجهه نویسنده محترم با ادله فقهی، بسیار محل نقد است. نویسنده محترم به جای توجه به منابع به مبانی توجه دارد، امری که در فقه امامیه مورد پذیرش نیست.

۲. واکاوی وضعیت حقوقی معامله با جهت نامشروع در فقه امامیه با مطالعه

تطبیقی در حقوق موضوعه ایران و مصر مجله آموزه های فقه مدنی. ۱۳۹۴

در خصوص این مقاله، چند ملاحظه وجود دارد:

اول: این مقاله علی رغم ادعای نویسندگان محترم در چکیده و مقدمه، در خصوص صحت و بطلان معامله با جهت نامشروع بحث کرده اند. ادله ای که در قسمت مباحث فقهی ارائه کرده اند، عموماً ناظر به وضعیت این گونه معاملات است نه فرضی که جهت نامشروع در قرارداد بیان نشده و یکی از طرفین علم به نامشروع بودن انگیزه طرف مقابل داشته باشد.

دوم: نویسندگان محترم مقاله اصرار دارند در مواردی که یکی از طرفین، علم دارد طرف مقابل عالم به انگیزه نامشروع طرف مقابل است، معامله باطل است در حالی که در پژوهش حقیر نتیجه عکس اثبات شده است.

۳. بررسی تأثیر جهت نامشروع در صحت و فساد معاملات مجله علمی پژوهشی فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد که بسیاری از مطالب مقاله ارسال جهت داوران در آن مقاله قبلاً بیان گردیده و مقاله چیز جدیدی ابراز نمی نماید

در خصوص این مقاله، ملاحظات زیر قابل ذکر است:

اول: این مقاله نیز صرفاً حکم معامله با جهت نامشروع را بیان می کند و هیچ بحثی در خصوص موردی که جهت نامشروع در قرارداد ذکر نشده ولی یکی از طرفین عالم است که طرف مقابل، انگیزه نامشروع دارد، بحثی را طرح نکرده است.

دوم: این مقاله به بررسی وضعیت معامله با جهت نامشروع پرداخته است و اینکه آیا تئوری «مشروعیت جهت» در فقه اسلامی مورد پذیرش است یا خیر. نویسنده محترم بعد از بیان انواع جهت نامشروع بر این اعتقاد است که معامله با جهت نامشروع از نگاه فقهی به استناد قاعده اعانه بر اثم، باطل است.

۴. بررسی فقهی و حقوقی جهت نامشروع در قراردادها فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی

در این مقاله نیز هیچ بحثی در خصوص تأثیر علم به نامشروع بودن جهت معامله نشده است. البته نویسنده در چکیده صرفاً به این موضوع اشاره کرده و متن مقاله، هیچ بحثی در خصوص آن انجام نشده است.

۱- تاثیر آگاهی از قصد مشروع در حقوق موضوعه

در حقوق موضوعه، مساله قصد نامشروع تحت عنوان «جهت» در معامله بحث می شود. قانون مدنی ایران در بند چهارم ماده ۱۹۰، مشروعیت جهت را شرط صحت معامله دانسته است. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی سابق فرانسه نیز، مشروعیت جهت شرط صحت معامله بود. منتهی این ماده در سال ۲۰۱۶ اصلاح شده و شرط مشروعیت جهت از قانون مدنی حذف شد. کما اینکه مشروعیت جهت از نگاه قانون مدنی آلمان و سوئیس از شرایط صحت قرارداد نیست. در حقیقت از دیرباز، اینکه مساله مشروعیت جهت، از شرایط صحت معامله باشد یا نباشد، در حقوق فرانسه محل نزاع و اختلاف بوده است. حقوقدانانی همچون، ژوسرال از این شرط حمایت کرده و برخی از حقوقدانان ولو مشروعیت جهت را معتبر دانسته ولی تفسیری نسبتاً مضیق ارائه کرده اند. به عنوان نمونه آقای دوما نامشروع بودن انگیزه شخصی را سبب بطلان قرارداد ندانسته بلکه صرفاً قرارداد مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه را فاقد اعتبار می داند. (Mazeaud, 1956, n29) و برخی دیگر نظیر هنری کاپیتان، هرگونه جهت نامشروع را باعث بطلان قرارداد دانسته اند. (Mazeaud, 1976, p1, n2) در مقابل برخی منوط کردن صحت قرارداد به مشروع بودن جهت را صحیح ندانسته و بر این اعتقادند که باید این شرط حذف شود. (Mazeaud, 1976, p1, n1) به هر حال، در اصلاحات سال ۲۰۱۶ این شرط از قانون مدنی فرانسه حذف شده و امروز ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، مشروعیت جهت را از شرایط صحت قرارداد نمی داند. به هر حال، نظر به اینکه قانون مدنی ایران متأثر از قانون مدنی فرانسه بوده و بند ۴ ماده ۱۹۰ از بند ۴ ماده ۱۱۰۸ سابق قانون مدنی فرانسه اخذ شده است. لذا نگاهی به نوشته های حقوقی فرانسه جهت روشن شدن مطلب، ضرورت دارد. در حقوق فرانسه، بین جهت قرارداد با جهت تعهد تفاوت وجود دارد. جهت تعهد امری نوعی است که در هر قراردادی وجود دارد. در حقیقت مفهوم «جهت تعهد» امری است که در پاسخ به این سوال مطرح می شود. چرا شخص خود را متعهد نموده است؟ در حقوق ایران عمدتاً از آن به «علت تعهد» یاد می شود. به عنوان مثال در قراردادهای دوطرفه، علت تعهد هر یک از طرفین، تعهدی است که طرف دیگر قرارداد پذیرفته است. به عنوان مثال، در فروش، تعهد به تحویل کالای فروخته شده، علت تعهد به پرداخت قیمت است؛ و بالعکس. تعهدات متقابل به

عنوان علت یکدیگر عمل می‌کنند. همچنین در قراردادهای یکطرفه، علت تعهد در قراردادهای یکطرفه، تحویل کالا است. در قرارداد قرض، علت تعهد وام‌گیرنده به بازگرداندن کالای قرض گرفته‌شده، تحویل آن کالا است. یا در قراردادهای بلاعوض، علت تعهد، قصد بخشش است، که از انگیزه‌هایی که بخشنده را به این کار سوق داده‌اند، جدا شده است. بخشنده به این دلیل متعهد می‌شود که می‌خواهد به طرف دیگر بخشش کند. (Jaun. Domat. 2022, p1)

در کنار «جهت تعهد»، «جهت قرارداد» قرار دارد. به خلاف «جهت تعهد»، که امری نوعی است و «جهت قرارداد»، امری شخصی است که به انگیزه هر فرد بستگی دارد. از این رو، نمی‌توان «جهت تعهد» و «جهت قرارداد» را مترادف دانسته و تفاوت این را به تفاوت در نگاه حقوق فرانسوی و ایرانی دانست. بدین توضیح که در حقوق فرانسه عقود جنبه تعهدی دارند و لذا اصطلاح «جهت تعهد» استفاده شده است. و حقوق ایران که عقد به جای تعهد، محور بحث در قانون مدنی قرار گرفته است، از اصطلاح «جهت معامله» استفاده شده است. (امامی ۱۳۵۳، ۲۲۱/۱)

به هر حال، در حقوق ایران، «جهت قرارداد یا معامله» عملاً به انگیزه تفسیر شده است. انگیزه‌های شخصی که از فردی تا فرد دیگر متفاوت است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۷۹؛ امامی، ۱۳۵۳، ۲۲۲/۱؛ بیکی شورکی و کریمی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) برخی نیز جهت را به علت غایی و هدف نهایی شخص تفسیر کرده‌اند. (شهیدی، ۱۳۹۰، ۳۳۲؛ علیشاهی قلعه‌جوقی و حمیدی، ۱۳۹۶، ۶۹)

با توجه به پیشینه و تعریفی که از جهت بیان شد، باید افزود، قانون مدنی ایران، یکی از شرایط صحت قرارداد را مشروعیت جهت بیان کرده است (ماده ۱۹۰، بند ۴) و در صورتی که جهت نامشروع بوده و در متن قرارداد بدان تصریح شود، قرارداد را باطل اعلام کرده است. (م ۲۱۷) نحوه نگارش ماده ۲۱۷ باعث شده است که در خصوص جهت نامشروعی که در قرارداد بدان تصریح نشده، اختلاف ایجاد شود. گروهی از حقوق‌دانان بر این اعتقادند که اگر جهت و انگیزه یکی از طرفین قرارداد، نامشروع باشد ولو طرف مقابل بدان آگاه باشد، قرارداد باطل نمی‌شود (حائری شاه‌باغ، ۱۳۸۲، ۱۹۴/۱؛ شهیدی، ۱۳۹۰، ۳۳۷/۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۴۲) چرا که مفهوم مخالف ماده ۲۱۷ قانون مدنی چنین اقتضایی دارد. در مقابل گروهی از محققین با توجه به فلسفه بطلان جهت نامشروع

از یک سو و عدم تفاوت بین انگیزه صریح و انگیزه ضمنی از سویی دیگر بر این اعتقادند که در صورتی که یکی از طرفین انگیزه نامشروع داشته باشد ولو انگیزه در متن قرارداد تصریح نشود، چنین قراردادی باطل خواهد بود. (صفایی، ۱۳۸۵، ۱۴۰/۲؛ قبولی درافشان، فخلعی و حائری، ۱۳۹۴، ۳۲)

به نظر می‌رسد، علاوه بر اینکه مفهوم مخالف ماده ۲۱۷ قانون مدنی، دلالت بر صحت معامله در فرض علم و آگاهی یکی از طرفین از نامشروع بودن انگیزه طرف مقابل دارد، به ویژه اینکه انگیزه از کیفیات درونی و نفسانی انسان است که تا بدان تصریح نشود، علم به آن عادتاً غیرممکن بوده و لزوم تصریح بدان همراه با این مصلحت است که مراجع قضایی را از درگیری و صرف وقت برای کاوش در امری که عادتاً و معمولاً بدون تصریح دارنده انگیزه، کشف نمی‌شود، معاف می‌کند. (شهیدی، ۱۳۹۰، ۳۴۲)

۲- تاثیر آگاهی از قصد مشروع در فقه

در فقه امامیه در خصوص آگاهی از قصد استفاده نامشروع بر اعتبار و بطلان معامله، دو دیدگاه وجود دارد.

۱-۲ دیدگاه حرمت معامله در فرض علم به قصد نامشروع خریدار

به باور گروهی از محققین در مواردی که فروشنده علم دارد که هدف و قصد خریدار از انجام معامله، استفاده در حرام است، چنین معامله‌ای تکلیفاً حرام است. (طوسی، مبسوط، ۱۸۳/۳؛ ابن ادریس، سرائر، ۳۲۷/۲؛ علامه حلی، مختلف، ۲۲/۵؛ شهید ثانی، روضه البهیة، ۲۷۱/۱ و مسالک، ۱۲۴/۳؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۵۰/۸؛ وحید بهبهانی، رساله علمیه متاجر، ۲۱؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۴۵/۸؛ خمینی، مکاسب محرمة، ۲۲۱/۱ و تحریرالوسیله، ۵۲۷/۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ۳۸۲/۲) برخی از طرفداران این نظریه، معامله را از نظر حکم وضعی، صحیح می‌دانند. (خمینی، مکاسب محرمة، ۲۴۸/۱)

در این میان، گروهی از محققین، در فرضی که فروشنده نیز بدین انگیزه که خریدار بنا دارد مبیع را در حرام استفاده نماید، وارد معامله شود، در این صورت، معامله را حرام می‌دانند. ولی اگر انگیزه

فروشنده، صرفاً فروش کالای خود است و به انگیزه نامشروع خریدار توجهی نداشته باشد، معامله صحیح خواهد بود. (علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۳۵۷/۱؛ فاضل مقداد، تنقیح الرائع، ۹/۲؛ محقق حلی، مختصر، ۱۱۶/۱؛ انصاری، مکاسب، ۱۴۰/۱) البته طرفداران این تفصیل، از نظر وضعی، برخی قائل به صحت معامله بوده (سید یزدی، حاشیه المکاسب، ۶/۱)

۱. تعاون بر اثم بودن

با توجه به آیه شریفه اول سوره مائده که فرموده است: «ولا تعاونوا علی الاثم و العدان»، همکاری و تعاون بر اثم و گناه، حرام است. از طرفی هرگاه طرف قرارداد، قصد دارد مورد قرارداد را در عمل حرامی استفاده کند، و طرف دیگر از این قصد نامشروع، با خبر باشد، در این صورت، این معامله، تعاون و همکاری بر گناه شمرده شده و لذا باطل خواهد بود. (اردبیلی، مجمع الفائده، ۴۷/۸؛ نراقی، مستند، ۹۶/۱۴؛ کاشف الغطاء، انوار الفقاهه، ۱۰؛ نجفی، جواهر، ۳۰/۲۲؛ خمینی، مکاسب محرمة، ۲۲۲/۱)

نقد و نظر

هر چند تعاون بر اثم و گناه، عملی نامشروع و در خور نکوهش است، ولی نظر به اینکه تعاون به معنای همکاری است لذا در صورتی تعاون صدق می کند که دو نفر با هم، کاری را مشترکاً انجام دهند. (یزدانی، ۱۴۰۳: ۴) از طرفی، در معامله ی کنونی، یکی از طرفین، مورد معامله را در عمل حرامی، استعمال کند، فقط یک نفر از مورد قرارداد در حرام استناد می کند و لذا تعاون و همکاری بر گناه در این مورد، صدق نمی کند. (محقق سبزواری، کفایة الفقه، ۴۲۶/۱؛ نراقی، مستند الشیعة، ۹۹/۱۴؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۵/۱)

۲. اعانه بر اثم بودن

اعانه بر اثم بدین معناست که شخصی، مقدمات گناه توسط دیگری را تسهیل کند. (یزدانی، ۱۴۰۳: ۵) و بر مورد بحث، عنوان اعانه بر اثم صدق می کند. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۲/۵؛ کاشف الغطاء، انوار الفقاهه، ۹؛ انصاری، مکاسب، ۱۲۳/۱؛ کاشف الغطاء، مهدی، احکام المتاجر

المحرمة، ۸۷؛ تبریزی، هدایه الطالب، ۳۲/۱) چرا که فروشنده یا موجر که کالا را در اختیار طرف مقابل قرار می دهد در حالی می داند وی آن را در عمل حرامی استفاده کند، بدون تردید، مقدمه ارتکاب حرام توسط وی را فراهم می آورد و لذا عمل او، مصداق اعانه و کمک بر گناه می باشد. و از طرفی، اعانه و کمک بر گناه، حرام می باشد.

نقد و نظر

به نظر می رسد، اعانه بر اثر مادامی که عنوان ظلم بر آن صدق نکند، حرام نیست. (خوئی، مصباح الفقه، ۱۶۲/۱ و ۱۷۹) و بر فرض که اعانه بر اثم، فی نفسه عمل حرامی باشد، صرف خرید و فروش، باعث اعانه بر اثم نشده بلکه دادن مال به طرف قرارداد و مسلط کردن وی بر مال، مصداق اعانه است. از این رو، به استناد تحقق عنوان اعانه بر اثم، نمی توان حکم به بطلان قرارداد نمود. (سبزواری، مهذب الاحکام، ۶۸/۱۶؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۳/۱؛ نائینی، منیه الطالب، ۱۰/۱؛ خوئی، مصباح الفقه، ۱۶۲/۱) مضاف بر این، حرمت تکلیفی معامله تلازمی به حرمت وضعی و بطلان آن ندارد. (یزدی، حاشیه المکاسب، ۶/۱؛ مامقانی، غایه الآمال، ۵۶/۱؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۳/۱؛ خوئی، مصباح الفقه، ۱۶۲/۱) به هر حال، نهی در این مورد به امری خارج از معامله تعلق گرفته است. و آن امر عبارت است از اعانه بر اثم و لذا این نهی دلالت بر فساد نمی کند. (خوانساری، الحاشیه الاولى علی المکاسب، ۶؛ خوئی، مصباح الفقه، ۱۶۲/۱)

۳- حرمت مقدمه حرام

از یک سو، مقدمه حرام، حرام است (علامه حلی، مختلف، ۲۲/۵؛ نراقی، مستند، ۹۶/۱۴)، و از دیگر سو، در مواردی که فروشنده علم دارد که طرف مقابل قصد دارد، مورد عقد را در عمل حرام استفاده کند، مقدمه برای ارتکاب عمل حرام خواهد بود. به دیگر سخن، خرید مقدمه تجری است؛ چرا که تجری با خرید و قصد، حاصل می شود. از طرفی، وقتی تجری حرام باشد، مقدمه آن که همانا خرید باشد نیز حرام خواهد بود. و از دیگر سو، فروش کالا به خریدار، اعانه بر حرام به شمار می رود. (خوانساری، الحاشیه الاولى علی المکاسب، ۶)

نقد و نظر

بر فرض حرمت مقدمه حرام، این حرمت مقدمه صرفاً نسبت به مقدمات اخیر است، یعنی مقدماتی که مکلف بعد از ایجاد آنها، امکان ترک ذی المقدمه را نداشته باشد و در نتیجه عقاب مترتب گردد. و از طرفی، خرید و فروش و بیع به قصد ارتکاب حرام یا با شرط ارتکاب حرام، علت ایجاد حرام نبوده و شخص می‌تواند بعد از انشای بیع، از ارتکاب عمل حرام، خودداری نماید. (خوئی، مصباح الفقاهه، ۱۶۳/۱)

۴- لزوم نهی از منکر

در توضیح این دلیل گفته شده است که هرگاه شخص دید دیگری مرتکب امر حرامی می‌شود، بدون تردید نهی کردن وی از انجام آن کار، به دلیل ادله وجوب نهی منکر، واجب است. حال در مورد بحث، که فروشنده می‌داند، خریدار بناست با بیع، مرتکب عمل حرامی شود، نمی‌تواند به وی کمک کرده و بیع را به وی بفروشد بلکه به دلیل ادله وجوب نهی از منکر، نمی‌تواند اقدام به فروش بیع به وی نماید. (طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۴۵/۸) به دیگر سخن، همانطور که دفع منکر، واجب است، رفع منکر نیز واجب است. (خمینی، مکاسب مجرمة، ۲۲۷/۱)

نقد و نظر

نهی از منکر به معنای نهی کردن دیگری از انجام کار حرام است و این مهم عمدتاً با قول میسر می‌شود. ولی جلوگیری شخص از انجام عمل حرام به هر طریقی، واجب نیست. (نراقی، مستند الشیعه، ۹۹/۱۴) به دیگر سخن، برای تحقق حرام، یک سری عوامل نقش مقتضی را بازی می‌کنند و برخی عوامل، نقش شرط را. حال باید دانست، جلوگیری از عدم تحقق شرط، واجب نیست. (انصاری، مکاسب، ۱۴۳/۱)

۵- روایات

آخرین و مهم ترین دلیل برای اثبات بطلان معامله در فرض علم به اینکه طرف معامله قصد دارد مورد عقد را در عمل حرام و نامشروع استعمال کند، روایات است. طرفداران این نظریه به روایات

متعددی استدلال کرده اند که در ادامه مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۱-۵ روایت جابر

برخی برای اثبات حرمت به روایت جابر استدلال کرده اند (اردبیلی، مجمع الفائده، ۴۶/۸؛ نجفی، جواهر، ۳۰/۲۲؛ مکاسب، ۱۲۳/۱؛ کاشف الغطاء، مهدی، احکام المتاجر المحرمه، ۸۸؛ نائینی، منیه الطالب، ۱۰/۱) در این روایت، جابر از امام صادق (ع) سوال می پرسد که شخصی، خانه اش را به دیگری اجاره می دهد تا وی در آن خانه، شراب سازی کند. حضرت (ع) می فرماید: اجرت آن حرام است.^۱ به موجب این روایت، هرگاه که غرض مستاجر استفاده از مورد عقد در حرام شده باشد، اجرت این معامله، حرام است.

نقد و نظر

این روایت از نظر سندی، مورد اعتماد نیست. (خوئی، موسوعه، ۲۷۰/۳۵) وانگهی این روایت با روایات متعددی که دلالت بر جواز دارند، تعارض دارد و لذا قابل استدلال نمی باشد. یکی از روایات معارض، صحیح ابن اذینه است که امام ع در آن روایت می فرماید، اشکالی ندارد. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۷۴/۱۷) و یا به خاطر تعارض باید روایت را حمل بر کراهت کرد. (خوئی، موسوعه، ۲۷۰/۳۵)

۲-۵ صحیحہ عمرو بن حرث

روایت عمرو بن حرث یکی از روایاتی است که طرفداران نظریه بطلان بدان استدلال کرده اند. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۲/۵؛ نراقی، مستند، ۹۶/۱۴؛ نجفی، جواهر، ۳۰/۲۲؛ کاشف الغطاء، مهدی، احکام المتاجر المحرمه، ۸۹؛ نائینی، منیه الطالب، ۱۰/۱) در این روایت از امام (ع) راجع به فروش (چوب درخت) توت به کسی که با آنها بت می سازد، سوال می پرسد. امام ع می فرماید جایز نیست. برخی از محققین ضمن استدلال به این روایت، آن را صحیحہ می دانند (نراقی، مستند، ۹۶/۱۴)

^۱. کلینی، کافی، ۲۲۷/۵: « عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَاجِرُ بَيْتَهُ يَبَاعُ فِيهَا الْخَمْرَ قَالَ حَرَامٌ أُجْرَتُهُ. »

نقد و نظر

در مقابل این روایت، روایات متعددی وجود داشته که دلالت بر جواز دارند، تعارض داشته و لذا باید روایت را فاقد اعتبار دانست. (نراقی، مستند، ۹۶/۱۴) علاوه بر این، روایت ناظر به ساخت بت است، و ممکن است به خاطر اهمیت این امر، حکم به حرمت آن شده است و به دلیل وجود خصوصیت در این مصداق، نتوان حرمت را با سایر مصادیق سرایت داد. همین ایراد به استدلال به صحیح ابن اذینه نیز وارد است. ولو جمعی از محققین برای اثبات بطلان معامله به صحیح یا حسنه ابن اذینه استدلال کرده اند. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۲/۵؛ اردبیلی، مجمع الفائده، ۴۶/۸؛ کاشف الغطاء، مهدی، احکام المتاجر المحرمه، ۸۹؛ نائینی، منیه الطالب، ۱۰/۱) عمر بن اذینه می گوید به امام صادق (ع) نامه نوشتم و راجع به مردی که چوب می فروشد به شخصی که با آنها صلیب و بت می سازد، آیا این فروش جایز است؟ حضرت (ع) پاسخ دادند: «خیر».^۲

۵-۳ صحیح زید بن علی

به موجب صحیح زید بن علی که مرحوم کلینی در کافی نقل کرده است، نبی مکرم اسلام، خمر و عاصر و معتصر و بایع و خریدار و آکل و شارب و حامل و محمول علیه خمر را لعن کرده است.^۳ لعن در کلام نبی مکرم اسلام (ص) ظهور در بغض شدید یعنی حرمت دارد. از این می توان گفت، فروش خمر، حرام است و اطلاق روایت حرمت را از اعم از تکلیفی و وضعی قرار می دهد. به دیگر سخن، در این روایت از برخی مقدمات شرب خمر، نهی شده است و یکی از مقدمات شرب خمر، فروش انگور است به کسی که هدفش، تولید شراب است. و لذا این مقدمه یعنی فروش نیز، حرام خواهد بود.

^۲ . کلینی، کافی، ۲۲۶/۵: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُ مِنْهُ بَرَابُطَ فَقَالَ لَا بَأْسَ وَ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ فَبَاعَهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُهُ صُلْبَانًا قَالَ لَا.»

^۳ . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱۲، ص ۶۷۸: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْخَمْرَ وَ عَصَرَهَا وَ مَعْتَصَرَهَا وَ بَايَعَهَا وَ مَشْتَرِيَهَا وَ آكَلَ ثَمْنَهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهَا.»

نقد و نظر

از یک سو برخی از محققین به خاطر وجود حسین بن علوان در سند، سند روایت را فاقد اعتبار می‌دانند (خوئی، مصباح الفقاهه، ۱/۴۲؛ مامقانی، تنقیح المقال، ۲۰/۲۹) وانگهی به نظر می‌رسد چون شراب مورد خاص است و در این مورد، فراهم کردن مقدمات و اعانه بر اثم نیز حرام است.

۲-۲ دیدگاه عدم حرمت معامله در فرض علم به انگیزه نامشروع خریدار

جمعی از محققین بر این اعتقادند که در مورد بحث، معامله صحیح است و دلیلی بر بی اعتباری آن وجود ندارد. البته از نظر حکم تکلیفی، برخی از طرفداران این نظریه، معامله را حلال دانسته (طوسی، نه‌ایه، ۳۶۹ و ۴۰۳؛ کیدری، اصباح الشیعه، ۲۴۷؛ محقق حلی، نه‌ایه و نکته‌ها، ۲/۱۰۵؛ ابن سعید، نه‌ایه الناظر، ۷۷؛ محقق سبزواری، کفایه الفقه، ۱/۴۲۶؛ بحرانی، حدائق الناظره، ۱۸/۲۰۶؛ کاشف الغطاء، شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامه، ۲۲؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱/۱۵؛ اصفهانی، وسیله النجات، ۱/۴۲۳؛ نائینی، منیه الطالب، ۱/۱۰؛ خوئی، منهاج الصالحین، ۲/۶؛ گلپایگانی، هدایه العباد، ۱/۳۳۹؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ۲/۱۰؛ بهجت، توضیح المسائل، ۳۱۷؛ هاشمی شاهرودی، منهاج الصالحین، ۲/۱۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ۲/۹؛ صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ۱/۲۹۲؛ حکیم، محمدسعید، منهاج الصالحین، ۲/۱۴؛ فیاض، منهاج الصالحین، ۲/۱۰۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۳/۸)

و گروهی، از نظر حکم تکلیفی، معامله را مکروه می‌دانند. (محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲/۳ و مختصر، ۱/۱۱۶؛ فاضل آبی، کشف الرموز، ۱/۴۳۸؛ ابن سعید، الجامع للشرائع، ۲۵۹؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲/۷ و ارشاد الاذهان، ۱/۳۵۷ و تبصره، ۹۳ و تحریر، ۲/۲۵۸؛ فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ۱/۴۰۳؛ شهید اول، موسوعه، ۲/۱۷؛ فاضل مقداد، تنقیح الرائع، ۲/۹؛ ابن فهد، مهذب البارع، ۲/۳۴۹؛ محقق ثانی، جامع المقاصد، ۴/۱۷؛ نراقی، مستند الشیعه، ۱۴/۹۹؛ نجفی، جواهر، ۲۱/۳۲۰)

۱- اصل اباحه و عمومات

با توجه به اینکه اصل در معاملات اباحه و صحت است و بطلان معامله، نیازمند دلیل است (طوسی

به نقل از علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۲/۵) به ویژه اینکه ادله عام، حکایت از صحت معامله کنونی دارند. ادله‌ای نظیر آیه شریفه اوفوا بالعقود. (محقق ثانی، جامع المقاصد، ۱۷/۴؛ محقق سبزواری، کفایه الفقه، ۴۲۶/۱؛ نجفی، جواهر، ۳۲۰/۲۱) و از دیگر سو، ادله‌ای که بر بطلان معامله کنونی، اقامه شده است، ناقص بوده و توان اثبات حرمت را ندارند، لذا نظریه دوم، امروز شهرت و تعمیمی پیدا کرده است. وانگهی ادله و روایات متعددی مثبت حلیت و در نتیجه معامله صحیح است.

۲- سیره مسلمین

بدون تردید عادت و سیره مسلمین بر این امر مستقر است که در موارد متعددی با اینکه اطلاع دارند، خریدار بنا دارد از مبیع در علم حرام، استفاده کند، اقدام به فروش کالا به می کنند، نظیر اینکه مکرر مسلمین با ملوک و امرا معامله می کرده‌اند با اینکه بدون تردید این معاملات، باعث تقویت لشکر و قوای کفر شده و نوعی کمک به آنها جهت انجام ظلم و باطل بوده است. یا اینکه منزل و مرکب خود را به ایشان اجاره می داده‌اند و یا خوراکی و غذا در روزهای ماه مبارک رمضان به کفار می فروخته‌اند با اینکه مشخص بوده که کافر، آنها را خواهد خورد و همچنین انگور به کافر فروخته با اینکه مشخص بوده است که کافر با آنها شراب می سازد. (کاشف الغطاء، شرح قواعد، ۲۲؛ نجفی، جواهر، ۳۲۰/۲۱)

۳- روایات

در روایات متعددی چنین معامله این مجاز اعلام شده است. ظاهر این روایات آن است که نه تنها این معامله حرام نیست بلکه کراهی نیز ندارد. از این رو، از نظر وضعی نیز نمی توان حکم به بی اعتباری این قبیل معاملات کرد.

۳-۱ صحیحہ اول ابن اذینہ

یکی از روایاتی که دلالت بر صحت و اباحه معامله‌ای که فروشنده علم دارد که خریدار قرار است از مبیع در حرام استفاده کند، صحیحہ ابن اذینہ است. (نجفی، جواهر، ۳۲۰/۲۱) به موجب این روایت، ابن اذینہ، محضر ابی عبدالله (ع) نامه‌ای نوشت و نسبت به مردی که کشتی و مرکب خود را

به کسی که با آن شراب یا خوک حمل می کند، سوال پرسید. حضرت (ع) در پاسخ نوشتند: اشکالی ندارد.^۴

این روایت به صراحت دلالت بر جواز فروش کالا به کسی قصد استعمال آن در حرام را دارد، می کند.

۲-۳ صحیحہ دوم ابن اذینہ

به موجب این روایت که راوی آن نیز ابن اذینہ است. وی از امام جعفر صادق (ع) دو سوال می پرسد. سوال نخست این است که مردی است که مقداری چوب دارد. آیا می تواند به شخصی که با آنها بربط (ابزار موسیقی) می سازد، بفروشد؟ حضرت (ع) در پاسخ به این سوال می فرمایند، اشکالی ندارد. سوال دوم این است که مردی مقداری چوب دارد، آیا می تواند به کسی که با آنها صلیب (نماد کفر) می سازد، بفروشد؟ حضرت (ع) فرمودند خیر.^۵ از سوال نخست، استفاده می شود که فروش کالا به کسی که قصد استعمال آن در حرام را دارد، اشکالی ندارد. (نجفی، جواهر، ۳۲۰/۲۱) منتهی به نظر می رسد، ساخت بت و نمادهای کفر، به دلیل قبح شدید، از این حکم استثنا شده است.

۳-۳ صحیحہ سوم ابن اذینہ

به موجب این روایت، ابن اذینہ محضر امام صادق (ع) نامه ای نوشته و نسبت به مردی که درخت خرما دارد، سوال می پرسید که آیا وی می تواند خرما یا انگور به کسی که می داند با آنها شراب و مسکر می سازد، بفروشد؟ حضرت (ع) در پاسخ می فرمایند: این بیع اشکالی ندارد؛ زیرا زمانی که وی اقدام به فروش می کند، وی چیزی را می فروشد که حلال است.^۶

۴. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۴: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُوجِرُ سَفِينَتَهُ وَدَابَّتَهُ مِمَّنْ يَحْمِلُ فِيهَا أَوْ عَلَيْهَا الْخَمْرَ وَالْخَنَازِيرَ فَقَالَ «لَا بَأْسَ».

۵. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۴: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ قَبَاعُهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُ مِنْهُ بَرَابِطَ فَقَالَ «لَا بَأْسَ بِهِ» وَ عَنْ رَجُلٍ لَهُ خَشَبٌ قَبَاعُهُ مِمَّنْ يَتَّخِذُ مِنْهُ صُلْبَانَا فَقَالَ «لَا».

۶. کلینی محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۵، ص ۲۳۱: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ

۳-۴ صحیحہ حلبی

به موجب این روایت، حلبی از امام صادق (ع) سوال پرسید که آیا می توان انگور به کسی که به آنها خمر می سازد، فروخت؟ حضرت (ع) فرمودند: چنین بیعی اشکال ندارد، ولی فروش آن به کسی که با آن، سرکه می سازد نیز من محبوب تر است.^۷

۳-۵ صحیحہ رفاعه

به موجب این روایت، رفاعه بن موسی نقل می کند که شخص از امام صادق (ع) سوالی پرسید و من حاضر بودم. سوال راجع به فروش انگور به کسی که به آنها شراب درست می کند بود. حضرت (ع) در پاسخ فرمودند: «مگر نه این است که ما خرماهایمان را به کسی که با آنها شراب خبیث می سازد، می فروشیم.»^۸

این روایت دلالت بر این دارد که خود ائمه (ع) نیز از این قبیل معاملات مکرر انجام می داده اند و لذا حتی حکم به کراهت این قبیل معاملات نیز نمی توان داد.

۳-۶ صحیحہ ابی المغرا

به موجب این روایت که شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است. فضاله بن ابی المغرا می گوید. یعقوب احمر از امام صادق (ع) سوالی پرسید و من حاضر بودم. وی گفت: اصلحک الله برادری داشتم که وفات پیدا کرد و یتیمی به جا گذاشت. برادر دیگری دارم که باغی دارد و انگور به کسی می فروشد که با آنها شراب می سازد. من از سهم خود (از آن زمین) می گذرم ولی نسبت به نصیب یتیم برادم چه کنم؟ امام (ع) فرمودند: فروش انگور به کسی که با آنها شراب می سازد، اشکالی

قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ كَرْمٌ أَيْبَعُ الْعَنْبِ وَ اللَّثْمُ مِمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَجْعَلُهُ خَمْرًا أَوْ سَكْرًا فَقَالَ إِنَّمَا بَاعَهُ حَلَالًا فِي الْإِبَانِ الَّذِي يَجِلُّ شَرْبُهُ أَوْ أَكَلُهُ فَلَا بَأْسَ بِبَيْعِهِ.»

۷. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۷: «عَنْهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ بَيْعِ الْعَصِيرِ مِمَّنْ يَصْنَعُهُ خَمْرًا فَقَالَ «بِعُهُ مِمَّنْ يَطْبُخُهُ أَوْ يَصْنَعُهُ حَلَالًا أَحَبُّ إِلَيَّ وَ لَا أَرَى بِالْأَوَّلِ بَأْسًا.»

۸. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۶: «عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنْ بَيْعِ الْعَصِيرِ مِمَّنْ يُخَمِّرُهُ فَقَالَ «حَلَالٌ أَلَسْنَا نَبِيعُ تَمْرَنَا لِمَنْ يَجْعَلُهُ شَرَابًا خَبِيثًا.»

ندارد لذا نصیب یتیم را بگیر.^۹

۷-۳ موثقه یزید بن خلیفه الحارثی

به موجب این روایت که موثقه می باشد، یزید بن خلیفه حارثی می گوید شخصی از امام صادق (ع) سوالی پرسید و من حاضر بودم. وی گفت من درخت خرما دارم، خرما را به کسی می فروشم که به آنها شراب می سازد. یعنی وی از من خرما می خرد ولی بعداً با آنها شراب می سازد، (این بیع چه حکمی دارد؟) حضرت (ع) فرمودند: شما در حالی می فروشید که حلال است ولی وی با آن حرام می سازد...»^{۱۰}

۸-۳ روایت محمد بن ابی نصر

در این روایت، محمد بن ابی نصر از امام موسی بن جعفر (ع) راجع به بیع خرما به کسی که با آنها شراب می سازد، سوال می پرسد. امام (ع) می فرمایند: اگر ثمره درخت خرما را به کسی که معلوم است به آنها حرام می سازد، اشکالی ندارد.»^{۱۱}

۹-۳ روایت محمد حلبی

به موجب این روایت، محمد حلبی از امام صادق (ع) از فروش آب انگور به کسی با آنها شراب می سازد، سوال پرسید. امام (ع) پاسخ دادند: این بیع اشکالی ندارد؛ چرا که شما در حالی که حلال

۹. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۹۶: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ: سَأَلَ يَعْقُوبُ الْأَحْمَرُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ لِي أَخٌ فَهَلْكَ وَتَرَكَ فِي حَجَرِي يَتِيمًا وَ لِي أَخٌ لِي ضَيْعَةٌ لَنَا وَ هُوَ يَبِيعُ الْعَصِيرَ مِمَّنْ يَصْنَعُهُ خَمْرًا وَ يُؤَاجِرُ الْأَرْضَ بِالطَّعَامِ فَأَمَّا مَا يُصِيبُنِي فَقَدْ تَنَزَّهْتُ فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِنَصِيبِ الْيَتِيمِ فَقَالَ «أَمَّا إِجَارَةُ الْأَرْضِ بِالطَّعَامِ فَلَا تَأْخُذْ نَصِيبَ الْيَتِيمِ مِنْهُ إِلَّا أَنْ يُؤَاجِرَهَا بِالرُّبْعِ وَ الثَّلَاثِ وَ الْيَصْفِ وَ أَمَّا بَيْعُ الْعَصِيرِ مِمَّنْ يَصْنَعُهُ خَمْرًا فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ خُذْ نَصِيبَ الْيَتِيمِ مِنْهُ».

۱۰. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۷: «عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ الْحَارِثِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ إِنَّ لِي الْكَرْمَ قَالَ «بِعْهُ عَنَّا» قَالَ فَإِنَّهُ يَشْتَرِيهِ مَنْ يَجْعَلُهُ خَمْرًا قَالَ «فَبِعْهُ إِذَا عَصِيرًا» قَالَ إِنَّهُ يَشْتَرِيهِ مَنْ عَصِيرًا فَيَجْعَلُهُ خَمْرًا فِي قَرْبَتِي قَالَ «بِعْهُ خَلَالًا فَجَعَلَهُ حَرَامًا فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ «لَا تَدْرَنْ ثَمَنَهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَصِيرَ خَمْرًا فَتَكُونَ تَأْخُذُ ثَمَنَ الْخَمْرِ».

۱۱. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۸: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَيْعِ الْعَصِيرِ فَيَصِيرُ خَمْرًا قَبْلَ أَنْ يَفِضَ الثَّمَنُ قَالَ فَقَالَ «لَوْ بَاعَ ثَمَرَتَهُ مِمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَجْعَلُهُ خَمْرًا حَرَامًا لَمْ يَكُنْ بِذَلِكَ بَأْسًا فَأَمَّا إِذَا كَانَ عَصِيرًا فَلَا يُبَاغِ إِلَّا بِالْثَقَدِ».

است، می فروشی و وی بعداً با آنها حرام می سازد.^{۱۲}

۳-۱۰ روایت ابی کهمش

ابی کهمش می گوید: مردی راجع به انگور از امام صادق (ع) سوال پرسید و من حاضر بودم. من درخت خرما دارم و هر ساله آب آنها را می گیرم و می فروشم. حضرت (ع) فرمودند: اشکالی ندارد ولی اگر به غلیان رسید، فروش آنها جایز نیست. سپس فرمودند: ما خرماهای مان را به کسی می فروشیم که می دانیم با آنها شراب می سازد.^{۱۳}

نتیجه گیری

اصولاً انگیزه در صحت و فساد معامله، تأثیر ندارد ولی اگر انگیزه نامشروع باشد و در متن عقد بدان تصریح شود، به استناد بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، چنین معامله‌ای باطل و بی اعتبار است. منتهی در مواردی که یکی از طرفین، انگیزه نامشروع داشته باشد و طرف مقابل از انگیزه وی مطلع بوده باشد و با وجود این، اقدام به معامله نماید، چنین معامله‌ای از نظر حکم تکلیفی و وضعی، چه حکمی دارد؟ در پاسخ به این سوال، ولو جمعی به استناد برخی روایات و نیز قاعده لزوم نهی از منکر و حرمت اعانه بر اثم، قائل به حرمت می باشند ولی به نظر می رسد، این نظریه صحیح نیست؛ چرا که روایاتی مورد استناد طرفداران نظریه حرمت، برخی سنداً مشکلی داشته و برخی از نظر دلالت اختصاص به فروش چوب به کسی که با آنها بت یا نمادهای شرک می سازد و نمی توان از آنها قاعده عمومی استنباط کرد. به ویژه اینکه روایات متعددی که عمدتاً از نظر سندی صحیح و قابل اعتماد

۱۲. طوسی محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۱۳۶: «عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَيْعِ عَصِيرِ الْعَنْبِ مِمَّنْ يَجْعَلُهُ حَرَاماً فَقَالَ «لَا بَأْسَ بِهِ تَبِيعُهُ خَلَالاً فَيَجْعَلُهُ حَرَاماً فَأَبْعِدَهُ اللَّهُ وَ أَسْحَقَهُ».

۱۳. کلینی محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۵، ص ۲۳۲: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزْرِيعٍ عَنْ حَنَانَ عَنْ أَبِي كَهْمَشٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْعَصِيرِ فَقَالَ لِي كَرِّمْ وَ أَنَا أَعْصِرُهُ كُلَّ سَنَةٍ وَ أَجْعَلُهُ فِي الدَّنَانِ وَ أَبِيعُهُ قَبْلَ أَنْ يَغْلِي قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ فَإِنْ غَلَى فَلَا يَحِلُّ بَيْعُهُ ثُمَّ قَالَ هُوَ ذَا نَحْنُ نَبِيعُهُ ثَمَرَنَا مِمَّنْ نَعْلَمُ أَنَّهُ يَصْنَعُهُ خَمراً.»

است، دلالت بر جواز این گونه معاملات دارند و بلکه برخی از روایات دلالت دارند که خود ائمه اطهار (ع) نیز از این قبیل معاملات انجام می داده اند. وانگهی عمومات صحت معاملات نیز موید این نظریه است. قاعده حرمت تعاون بر اثم، ولو قاعده صحیحی است و مستند قرآنی نیز دارد ولی مورد بحث مصداق، تعاون بر اثم نمی باشد. و قاعده حرمت اعانه بر اثم ثابت نیست. لزوم نهی از منکر ولو شامل دفع منکر هم بشود، شامل محل بحث نمی شود؛ چرا که نهی از منکر، در خصوص نهی از شرایط تحقق حرام نمی شود. از این رو، به نظر می رسد، معامله با کسی که قصد دارد مورد معامله را در حرام استفاده کند، حرام نبوده و از این جهت اشکالی ندارد. وانگهی از نظر حکم وضعی، تردیدی در صحت این قبیل معاملات نمی باشد.

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی:

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور. *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲. اراکی، محمدعلی. *المسائل الواضحه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳. اردبیلی، احمد. *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۴. اصفهانی، سید ابو الحسن. *وسيلة النجاة مع حواشی الامام الخمينی*. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵. امامی، سید حسن، *حقوق مدنی، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۳ش*.
۶. انصاری، مرتضی. *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری ره. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۷. ایروانی، علی. حاشیة المكاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

۸. بهجت، محمد تقی. وسیله النجات. قم: انتشارات شفق. دوم، ۱۴۲۳ق.

۹. بیکی شورکی، مهدی؛ کریمی، عباس. (۱۴۰۴). تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری. آموزه های فقه مدنی، ۱۷ (۳۱)،

203. <https://doi.org/10.30513/cjd.2024.5705.1926>

۱۰. حائری شهاباغ، سید علی، شرح قانون مدنی، تهران: گنج دانش، ۱۳۵۳ش.

۱۱. حلی، یحیی بن سعید. نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر. قم: منشورات رضی. چاپ اول، ۱۳۹۴ق.

۱۲. حکیم، سید محسن. منهاج الصالحین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

۱۳. حکیم، سید محمد سعید. منهاج الصالحین. بیروت: دار الصفوة. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۱۴. خمینی، سید روح الله. تحریر الوسيلة. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم. چاپ اول، بی تا.

۱۵. خمینی، سید روح الله. المكاسب المحرمة. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۱۶. خوانساری، الحاشیة الأولى علی المكاسب، بی جا، بی تا.

۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم. موسوعة الامام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی. ۱۴۱۸هـ.ق.

۱۸. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشر مدینة العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق

۱۹. روحانی، سید صادق. *منهاج الصالحین*. بی جا. بی نا. بی تا.
۲۰. سبزواری، سید عبد الأعلى. *مهذب الأحكام*. قم: مؤسسه المنار. چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. سیستانی، سید علی. *منهاج الصالحین*. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی. چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. شبیری زنجانی، المسائل الشرعیه. قم: موسسه نشر الفقاهه. چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی. *موسوعه الشہید الاول*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزہ العلمیه. چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
۲۴. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها، تهران: مجد، ۱۳۹۰.
۲۵. صافی، لطف الله. *هدایه العباد*. قم: دار القرآن الکریم. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲۶. صفایی، سیدحسین، *نظریه ی جهت در قراردادها، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه، نشریه دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۸، سال ۱۳۵۱.*
۲۷. طوسی، محمد بن حسن. *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب السلامیه. چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. *المبسوط فی الفقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه. چاپ سوم، ۱۳۸۲ق.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. *تحریر الأحکام الشرعیه علی*

- مذهب الإمامية. قم: موسسه امام صادق ع. چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۱. علامه حلي، حسن بن يوسف. *تذكرة الفقهاء*. قم: موسسه آل البيت ع. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۲. علامه حلي، حسن بن يوسف. *قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۳. فاضل لنكراني، محمد. *الاحكام واضحه*. قم: مركز فقهی ائمه اطهار ع. چاپ چهارم، ۱۴۲۲ق.
۳۴. فخرالمحققين، محمد، *ايضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد*. قم: موسسه اسماعيليان. چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
۳۵. فياض، محمد اسحاق. *منهاج الصالحين*. بی جا، بی نا. بی تا.
۳۶. *قبولی در آستان، سيد محمد هادی و محمد تقی فخلعی و محمد حسن، حائری، واکاوی وضعيت حقوق معامله با جهت نامشروع در فقه اماميه، با مطالعه تطبيقي در حقوق موضوع ايران و مصر، آموزه های فقه مدنی، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.*
۳۷. *کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.*
۳۸. کاشف الغطاء، مهدی، *احكام المتاجر المحرمه*. نجف: موسسه کاشف الغطاء. چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب. *الكافي*. تهران: دار الكتب الاسلاميه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۰. لاری، سيد عبد الحسين. *التعليقة على المكاسب*. قم: موسسه المعارف الاسلاميه. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۱. مامقانی، محمد حسن. *غاية الآمال في شرح كتاب المكاسب*. قم:

- مجمع الذخائر الاسلاميه. چاپ اول، ۱۳۱۶ق.
۴۲. مكارم شیرازی، ناصر. رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات مدرسه امام علی ع. چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۴۳. محقق اول، جعفر بن حسن. شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۴۴. منتظری، حسین علی. الاحكام الشرعيه علی مذهب اهل البيت ع. قم: نشر تفکر. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۵. ثانی، میرزا محمد حسین. منية الطالب في حاشية المكاسب. تهران: مکتبه المحدثيه. چاپ اول، ۱۳۷۳ق.
۴۶. نجفی، محمد حسن. جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام. بيروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۷. نراقی، احمد. مستند الشیعه فی احكام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت ع. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۸. وحید خراسانی، حسین. منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر ع. چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.
۴۹. یزدانی، غلامرضا، حقوق اموال. تهران: مجد، ۱۴۰۲.
۵۰. یزدانی، غلامرضا، وضعیت معامله مشروط به استنفاده مورد عقد بر حرام، فصلنامه حقوق اسلامی، اسفند ۱۴۰۳.
۵۱. یزدی، سید محمد کاظم. حاشية المكاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

منابع فرانسوی:

1. Henri Mazeaud, François Chabas, Leçons de droit civil, Paris, 1976: Obligations: théorie générale.

2. Henri Leon, Jean Mazeaud, le cause en droit francais, Paris: McGill, 1956.
3. Jaun, Domain. Les Lois Civiles Dans Leur Ordre Naturel. Paris: Legare Street Press, 2022.

نسخه پیش از انتشار